

احمد ضیا صدیقی سپهر:

## برابری خلقها، آرمان ماست!

جامعه افغانی از گروههای اتنیک گوناگون شکل یافته است، تسلط نظامهای قبیله‌یی، خانسالاری، فیودالی و ماقبل فیودالی، پانگرفتن شیوه تولید و مناسبات سرمایه داری و نبود بازار واحد در مقیاس کل کشور، انسان جامعه افغانی را همچنان به پیوندهای باستانی اش به ویژه فرهنگی، زبانی، مذهبی و جغرافیایی وابسته نگهداشته است.

همزیستی ملیتها و اقوام متمایز در محدوده جغرافیایی که امروز به نام "افغانستان" یاد میشود، در طول تاریخ با پدیده های متضاد آمیزش و نفی همراه بوده و مردم زحمتکش این سرزمین در درازای تاریخ، به انواع ستم، از جمله ستم طبقاتی، ستم ملی، ستم جنسی و ستم استیلاگران بیگانه مواجه بوده اند و رنجهای بیکران را متحمل میگردند.

امروز حل مسأله ملی و چگونه گی رفع انواع ستم از جمله مسایل بنیادی است که هیچ نیروی تحول طلب و ترقی خواه نمیتواند آنرا نادیده انگارد. اگر جنبش دموکراتیک و چپ مترقی کشور، **رفع ستمهای عدیده اجتماعی** را در چشم انداز پراتیک خود مطرح نکند، نخواهد توانست به حیث یک نیروی **آزادینخواه، دموکرات، مترقی، تغییر دهنده و سمت دهنده** در وضعیت سیاسی کشور فعالانه حضور یابد، موقعیت تاریخی خویش را احراز و حمایت گسترده خلقهای تحت ستم را بدست آورد.

هشت سال قبل از امروز، "نهضت آینده افغانستان" بمثابه یک نهاد دموکراتیک و عدالت خواه در شرایطی، اساس گذاشته شد که، جنبش دموکراتیک کشور با شکست تلخ سیاسی مواجه گردیده بود و سیادت مطلق "اولیگارشسی طالبی" بر کشور حکمفرما بود.

در آن وضعیت " نهضت آینده افغانستان "، اهداف و وظایف عام دموکراتیک را برای از سرگیری مبارزه دادخواهانه، در برابر خود قرار داد و تکوین و استقرار جامعه مبتنی بر عدالت اجتماعی را به حیث یک "امکان تاریخی" مطرح کرد؛ ( امکانی که تنها در صورت اشتراک آگاهانه گسترده ترین اقشار و طبقات مظلوم و زحمتکش در روندهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اندیشه‌ی- فرهنگی، تحقق پذیر است ) و مبارزین چپ، دموکراتیک، مترقی و تحول طلب جامعه افغانی را جهت ایجاد یک شکل گسترده سیاسی-اجتماعی و فرهنگی برای مقاومت در برابر ارتجاع بنیادگرا و حکمفرمایان ستم گر فرا خواند و تا کنون در این راستا گامهای عملی برداشته است و شجاعانه به پیش می‌رود، که تاثیرات آن در جنبش نوپای دموکراتیک چپ کشور، قابل لمس است.

**کنون که در وضعیت جاری، در درون حرکت عمومی دموکراتیک و مترقی جامعه افغانی، مرزبندیهای جدیدی در حال تکوین و ظهور است. "نهضت آینده افغانستان" تلاش مینماید تا قطب ترقی و پیشرفت جامعه افغانی را تقویت و بسیج کند، ظرفیت رهبری آنرا در جامعه تأمین و تحکیم بخشد و صفوف مبارزین آگاه آنرا در یک نهاد فراگیر دموکراتیک و مترقی متشکل سازد.**

"نهضت آینده افغانستان " دفاع پیگیر از استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، دفاع و حمایت از همسانی حقوق تمام اقوام و ملیتهای ساکن در افغانستان و مبارزه آشتی ناپذیر علیه هر گونه تعصب و تبعیض نژادی، قومی، سمتی، منطقه‌ی، زبانی، مذهبی و جنسی را وظایف اساسی خویش شمرده و در راه ایجاد فضای برادرانه در بین اقوام و ملیتهای مختلف افغانستان تلاش پیگیرانه میدارد و هر نوع ایدیولوژیها، بینشها، حرکتها، جریانها و پروژههای را که بر محور قوم ستیزی و یا برتری یک قوم نسبت به دیگر قوم شکل میگیرد، مردود دانسته و علیه آن قاطعانه مبارزه میکند.

برابری خلقای با هم برادر افغانستان، اساسی ترین آرمان ما بوده دستیابی به آن محور اصلی اهداف و وظایف ما را احتوا میکند، چنانچه در این زمینه با وضاحت کامل و به صورت شفاف در مرامنامه نهضت آینده افغانستان آمده است: " رفع تمام بیعدالتیهای اجتماعی که بر مردم تحمیل گردیده اند، آرمان نهضت آینده افغانستان است. ستمهای طبقاتی، قومی، جنسی و مذهبی که در جامعه افغانی مستقر اند، افغانستان را از نگاه اجتماعی در شمار عقبمانده ترین کشورهای جهان قرار میدهند. خاتمه دادن به این وضع نیازمند یک رستاخیز عظیم اندیشه یی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعیست. نهضت آینده افغانستان سهم شایسته خود را در این رستاخیز ایفا میکند. شرکت آگانه تمام اقشار مظلوم و کته گوریهای اجتماعی زیرستم در روند بازگونسازی مناسبات اجتماعی موجود، شرط ارگانیک آن است. نهضت آینده افغانستان در راه تحقق این داعیه تاریخی- اجتماعی کار گسترده را پیش خواهد برد."

**باید در نظر داشت که ساختار چند ملیتی جامعه افغانی برای حکمروایان مستبد و استیلاگران خارجی زمینه های لازم و ابزار مطلوب را پیشکش داشته، تا از موجودیت اختلافات و تشدید آنها میان اقوام، ملیتها و قبایل ساکن در کشور سود برند و در برابر وحدت خلقها موانع ایجاد نمایند.**

تاریخ مبارزات آزادیخواهی مردم افغانستان گواه برآنست که، در تمام منازعات ملی گرایانه قومی و زبانی، برنده اصلی گروههای استثمارگر و حاکمان ستمگر جامعه بوده اند، در حالیکه فرودستان کشور (به شمول ملیت حاکم) تحت سیطره استبداد، ستم، ظلم و بیعدالتیهای اجتماعی بیشتر رنج برده اند.

ما هرگونه موضعگیریهای ملیتگرایانه را زیر چتر دفاع از یک قوم و یا ملیت در برابر دیگری، و تحت هر عنوانی که باشد یک عمل نادرست و فتنه گرانه میپنداریم و انواع تبلیغات در زمینه دامن زدن تفاوتهای اتنیکی و زبانی را مردود می شماریم. مارا باور به

این است که تنوع فرهنگی و زبانی جزئی از غنای فرهنگی ملی افغانستان است باید از آن حراست کرد.

باید هرگونه طرحهای را که برای برتری نشان دادن فرهنگ و زبان یک ملیت نسبت به دیگری از هر منبع که ارایه میگردد و هدف آن جز ایجاد تفرقه میان خلقهای با هم برادر کشور و سواستفاده سیاسی، چیزی دیگری نیست، به طور جدی افشا و تقبیح نمود.

**ما تمام پندارها، کردارها، حرکتها و جریانهای تفرقه اندازانه، تفوق طلبانه، و تجزیه طلبانه را جداً افشا و مجدانه تقبیح مینمایم.**

در هر کشوری کثیرالملیت که به مرحله ملت-دولت نرسیده است و با نظامهای غیر دموکراتیک اداره میشوند الزاماً در آن انواع ستمهای طبقاتی، ملی، جنسی و عقیده تی و تمایزات فرهنگی و زبانی وجود دارد که جامعه افغانی طبعاً نمیتواند از این اصل مستثنی باشد.

**مسأله ملی** به مفهوم متداول آن، حقوق و روابط میان ملیتها و شرایط تکامل آنها احتوا مینماید. استقلال ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، وحدت ملی، حق تعیین سر نوشت ملتها، برابری ملی و ازبین برداشتن ستم ملی و امتیازهای ملی از جمله اجزای متشکله آن محسوب میگردد. ازدیگاه ما، حل مسأله ملی تنها از طریق اشتراک مستقیم و دموکراتیک نماینده گان واقعی و برحق تمام ملیتها در ارگانهای قدرت دولتی که خود بر بنیاد اصول دموکراتیک، مترقی، مردمی و چند ملیتی بنا یافته باشد میسر و مقدور است و بس.

18042008

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)